

## هم‌گرایی شهری-روستایی مرتبط با رویکردهای جمعیت‌شناختی در ایران

یعقوب فروتن<sup>۱</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/CSR.2021.22882.1874

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۲۶۸-۲۴۳

### چکیده

موضوع اصلی تحقیق حاضر، معطوف به بررسی الگوها و تعیین‌کننده‌های هم‌گرایی شهری-روستایی مرتبط با رویکردهای جمعیت‌شناختی است. پرسش کلیدی تحقیق و ضرورت و اهمیت مطالعه آن ریشه در این واقعیت دارد که از یک سو جهان معاصر شاهد تحولات بنیادین در جهت‌گیری‌های افراد نسبت به ارزش‌های جامعه و خانواده است (ویلیام گود، ۱۹۶۳؛ گیدنز، ۱۳۷۳؛ اینگلههارت، ۱۹۷۷؛ ون دکا ۱۹۸۷؛ لشتاگه و سورکین، ۲۰۰۸؛ رولاند، ۲۰۱۲)؛ و از سوی دیگر، تکنولوژی پیشرفته ارتباطی و رسانه‌ای با ایجاد «جامعه جهانی» (می‌یر، ۲۰۱۰) و «دهکده جهانی» (مک‌لوهان، ۱۹۶۴) سبب شده است تا این قبیل تغییرات ارزشی و نگرشی همه جوامع و افراد در سرتاسر جهان را دربرگیرد. آیا این اصل بر نقاط شهری و روستایی نیز صدق می‌کند؟ بدین معنا که آیا روستاییان و شهرنشینان نیز به یک نوع هم‌گرایی و هم‌سویی رسیده‌اند و رویکردهای جمعیت‌شناختی آنان کمابیش همانند و مشابه هم‌دیگر است؟ به‌طور خلاصه، نتایج این تحقیق نشان داده است که منطبق با «فرآیند جهانی شدن» منبعث از پیشرفت‌های تکنولوژیک در عرصه‌های ارتباطی و رسانه‌ای، شهرها و روستاها به‌طور چشمگیری با تغییرات بنیادین در جهت‌گیری‌های افراد نسبت به ارزش‌های جامعه و خانواده مواجه شده‌اند؛ به‌طوری‌که رویکردهای روستاییان و شهرنشینان نسبت به مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی، مانند الگوهای ازدواج، فرزندآوری، طلاق و مهاجرت بیشتر به سوی یک نوع هم‌سویی و هم‌گرایی سوق پیدا کرده است. علاوه بر این، نتایج این تحقیق بر این نکته اساسی نیز صحنه می‌گذارد که لازم است تا نقش و تأثیرات سایر عوامل تعیین‌کننده، مانند متغیر سن و سطح تحصیلات نیز مورد توجه و مطالعه قرار گیرد تا زمینه مطلوب برای شناخت هرچه بهتر و بیشتر هم‌گرایی شهری-روستایی مرتبط با رویکردهای جمعیت‌شناختی فراهم گردد.

**کلیدواژگان:** هم‌گرایی شهری-روستایی، رویکرد جمعیت‌شناختی، جهانی شدن، ایران.

## ۱. مقدمه

به‌طور کلی، هدف محوری تحقیق حاضر این است تا هم‌گرایی شهری-روستایی مرتبط با رویکردهای جمعیت‌شناختی<sup>۱</sup> را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. در این راستا، طرح مسأله تحقیق و تبیین اهمیت و ضرورت مطالعه آن را نیز می‌توان از دو زاویه مرتبط با هم مورد توجه و تأکید قرار داد؛ از یک سو، به عقیده اندیشمندان و نظریه‌پردازان برجسته، جهان معاصر تحولات عمیق و وسیع را در عرصه‌های گوناگون تجربه کرده است و به‌ویژه پیشرفت‌های شگرف و فزاینده در علم و تکنولوژی حمل‌ونقل و ارتباطات نوین سبب شده است تا این تحولات به‌طور بی‌سابقه‌ای فراگیر و تسریع گردند. به‌عنوان مثال، برخی اندیشمندان و صاحب‌نظران برجسته، مانند فیلسوف معروف کانادایی «مارشال مک‌لوهان»<sup>۲</sup> (۱۹۶۴) و جامعه‌شناس و روان‌شناس مشهور آمریکایی «هارولد لاسول»<sup>۳</sup> (۱۹۴۸) برای باورند که تکنولوژی‌های مدرن و پیشرفته ارتباطی، عصر حاضر را به «عصر طلایی ارتباطات»<sup>۴</sup> و سرتاسر جهان معاصر را نیز به یک «جامعه جهانی»<sup>۵</sup> (می‌یر، ۲۰۱۰) یا حتی به یک «دهکده جهانی»<sup>۶</sup> (مک‌لوهان، ۱۹۶۴) تبدیل کرده‌اند و برای انسان‌های عصر جدید در هر نقطه جهان نیز این فرصت بی‌نظیر را فراهم کرده تا بتوانند با سهولت و سرعت در ورای مرزهای بومی و محلی، ملی و بین‌المللی بیاندیشد و عمل کنند؛ ازسوی دیگر، بخش مهم دیگری از این تحولات وسیع و عمیق «فرآیند جهانی شدن»<sup>۸</sup> (گیدنز، ۱۳۸۴؛ واترز، ۱۹۹۵) معطوف به تغییرات اجتماعی فرهنگی گسترده جوامع امروزی است که توسط طیف متنوعی از اندیشمندان و صاحب‌نظران برجسته مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. از دیدگاه این صاحب‌نظران، این بخش از تحولات جهان معاصر در قالب خصوصیتی هم‌چون: نوگرایی (ویلیام گود، ۱۹۶۳)، تغییرات اجتماعی (گیدنز، ۱۳۷۳)، فردگرایی و تغییرات بنیادین در نظام ارزش‌های جامعه (اینگلههارت، ۱۹۷۷؛ ون دکا، ۱۹۸۷؛ لشتاگه و سورکین، ۲۰۰۸؛ رولاند، ۲۰۱۲) تجلی یافته‌اند که در بخش مبانی تئوریک تحقیق با تفصیل بیشتری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

در همین چارچوب، مسأله اصلی تحقیق حاضر معطوف به این واقعیت است که جوامع نوین با تغییرات اساسی در نظام ارزش‌های جامعه مواجه شده‌اند که این تغییرات در نگرش و رویکردهای افراد جامعه نیز نمایان می‌گردد و بخش قابل ملاحظه‌ای از آن نیز معطوف به مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی مانند رویکردهای افراد جامعه نسبت به الگوهای ازدواج و فرزندآوری و... می‌باشد. به‌عنوان نمونه می‌توان به یک مثال بسیار روشن اشاره کرد که یکی از بنیان‌گذاران و پیش‌قدمان «تئوری گذار دوم جمعیت‌شناختی»<sup>۱۰</sup> یعنی «لشتاگه» یا «لستاق»<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۵) در تبیین و تشریح این

تئوری به آن استناد کرده است: نتایج بررسی پیمایشی جهانی ارزش‌ها (WVS)<sup>۱۳</sup> در اواخر دهه ۱۹۶۰م. در کشورهای هلند و ایالات متحده نشان داده بود که حدود نیمی از پاسخ‌گویان معتقد بودند که «چنانچه هنوز بچه‌های خردسال در منزل هستند، طلاق والدین نباید انجام گیرد»؛ درحالی‌که این نسبت در بررسی پیمایشی بعدی در اوایل دهه ۱۹۸۰م. کاهش شدیدی یافت به طوری‌که پس از گذشت کمتر از دو دهه، تنها ۶٪ از پاسخ‌گویان در هلند و ۱۸٪ نیز در ایالات متحده بر این باور بودند که در صورت حضور بچه‌های خردسال در خانه، والدین نباید از هم‌دیگر طلاق گیرند. علاوه بر این، هم‌چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد، تکنولوژی‌های مدرن و پیشرفته ارتباطی سبب شده است تا این قبیل تغییرات ارزشی و نگرشی بتوانند همه جوامع و افراد در سرتاسر جهان را شامل گردند.

**پرسش‌های پژوهش:** براساس موارد پیش‌گفته، تحقیق حاضر بر دو پرسش کلیدی و محوری استوار است؛ اول آن‌که، آیا این اصل و قاعده ناظر بر فراگیر و جهانگیر بودن تغییرات ارزشی و نگرشی، در مقایسه بین نقاط شهری و نقاط روستایی نیز صدق می‌کند؟ به عبارت دقیق‌تر، آیا روستاییان و شهرنشینان به یک نوع هم‌گرایی و هم‌سویی رسیده‌اند؛ بدین معنایکه دارای رویکردهای جمعیت‌شناختی کمابیش همانند و مشابه هم‌دیگر هستند یا این‌که این رویکردها در نقاط شهری و روستایی کماکان باهم متفاوت است؟ دوم این‌که، مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده مربوط به وجود یا فقدان این نوع هم‌گرایی شهری-روستایی کدامند؟ به طور مشخص، سه متغیر اصلی سن و جنس و تحصیلات تاچه حد نقش تعیین‌کننده‌ای در هم‌گرایی شهری-روستایی مرتبط با رویکردهای جمعیت‌شناختی ایفا می‌کنند؟ بنابراین، در راستای پاسخ‌گویی به این اهمیت و ضرورت پژوهشی و متناسب با این پرسش‌های کلیدی، تحقیق حاضر تلاش می‌کند تا در حد توان و امکان خود، شواهد علمی و مستندات پژوهشی به منظور شناخت هرچه بهتر و بیشتر الگوها و تعیین‌کننده‌های هم‌گرایی شهری-روستایی مرتبط با رویکردهای جمعیت‌شناختی ارائه نماید.

## ۲. پیشینه پژوهش

به طور کلی، بررسی تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که محل سکونت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و متداول‌ترین متغیرهای مورد توجه در بسیاری از مطالعات و تحقیقات بوده است؛ به‌عنوان مثال، می‌توان به نتایج تحقیق «افراخته» (۱۳۷۵) اشاره کرد که در گذشته به‌ویژه در مناطق روستایی به جهت غلبه به مراتب برجسته‌تر نگرش‌های سنتی، تعداد بیشتر فرزندان باعث ارتقای منزلت اجتماعی والدین مخصوصاً مادران می‌شد؛

زیرا آنان داشتن فرزندان به‌ویژه فرزندان پسر را هم‌چون یک پشتیبان محکمی تلقی می‌کردند که زنان را دربارهٔ خطرات گوناگون مانند: معیشت، طلاق و بیوگی محافظت می‌کرد. نتایج تحقیق «فروتن» (۱۳۷۹) درخصوص تمایلات فرزندآوری در فرهنگ عامهٔ ایرانی نیز نشان‌دهنده است که باورهای سنتی و فرهنگ عمومی جامعهٔ ایرانی، به‌ویژه در روستاها نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در افزایش میزان زادوولد در دهه‌های گذشته داشت. در عین حال، بررسی ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که این باورهای سنتی در دهه‌های اخیر فروکش کرده است؛ به‌عنوان مثال، مطابق نتایج تحقیق «عباسی شوازی» و همکاران (۱۳۸۱)، در حال حاضر نه‌نگرش و رفتار فرزندآوری در همهٔ گروه‌های سنی به‌هم نزدیک شده است، بلکه تفاوت قابل‌توجهی نیز بین زنان روستایی و شهری وجود ندارد. مطابق نتایج تحقیق «کازمی پور» (۱۳۸۳) درخصوص تغییرات سن ازدواج زنان در ایران، علاوه‌بر سایر متغیرها (مانند: سواد و تحصیلات، قومیت، و به‌طور کلی پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد)، متغیر محل سکونت در شهر و روستا نیز یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر تغییرات سن ازدواج در ایران است. با این همه، یافته‌های پژوهش «قاسمی اردهایی» (۱۳۸۶) نشان داد که به‌دلیل تفاوت بارز سطوح تحصیلی زنان جوامع شهری و روستایی و بالابودن میانگین سن ازدواج تحصیل‌کرده‌ها، سن ازدواج زنان شهری بیشتر از زنان روستایی است. مطابق یافته‌های تحقیق «مهاجرانی» (۱۳۸۹)، اگرچه عمومیت ازدواج در ایران هنوز در سطح بالایی است، ولی تغییر قابل‌ملاحظه‌ای در الگوی سنی ازدواج دیده می‌شود که می‌تواند حاکی از افزایش مجرد قطعی و کاهش عمومیت ازدواج در دهه‌های آینده باشد؛ علاوه‌بر این، هم‌زمان با افزایش سن ازدواج مردان و زنان از فاصلهٔ سنی ازدواج آنان نیز کاسته شده است. این کاهش، به‌ویژه در مناطق روستایی بیشتر بوده است. نتایج تحقیق «محمدی یگانه» و «سنایی مقدم» (۱۳۹۶) در زمینهٔ مهاجرت نشان داد که مطالعهٔ روابط شهر و روستا به‌منظور درک مسائل شهرنشینی و پیدایش راه‌حل‌های مناسب برای برقراری روند توسعهٔ متعادل شهری و روستایی، متناسب با امکانات مالی و دیگر امکانات موجود ناحیه‌ای و کشوری و حل مسألهٔ مهاجرت روستاییان به شهرها، ضروری به‌نظر می‌رسد. مطابق نتایج تحقیق «رستمعلی زاده» و «قاسمی اردهایی» (۱۳۹۶)، نه‌تنها ویژگی‌ها و شرایط جوانان روستایی چون: وضعیت شغلی، سطح تحصیلات، سطح درآمد، وضعیت تأهل، وضعیت مسکن، داشتن اعضای مهاجر در خانواده و شهرستان محل سکونت در وضعیت ترک یا ماندگاری آنان مؤثر است؛ بلکه کیفیت زندگی، وابستگی به مکان و هویت مکانی نیز می‌توانند در ماندگاری جوانان روستایی مؤثر باشند. تحقیقات «فروتن» (۱۳۹۷، ۲۰۱۴، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰) در زمینهٔ بررسی تحولات جمعیتی نیم‌قرن اخیر

ایران با تکیه بر تجزیه و تحلیل داده‌های ثانویه سرشماری‌های جمعیت و نتایج بررسی پیمایشی نشان داده است که الگوهای شکل‌بندی خانواده مانند ازدواج و فرزندآوری به میزان زیادی تحت تأثیر زمینه‌ها و الزامات فرهنگی اجتماعی و اقتصادی می‌باشد که هم بر نقاط روستایی و هم بر مناطق شهری ایران صدق می‌کند. بدین ترتیب، در جمع‌بندی و نقد تحقیقات پیشین می‌توان گفت که با وجود این که محل سکونت شهر و روستا در بسیاری از مطالعات و تحقیقات مدنظر بوده است، اما هدف آن‌ها غالباً این بوده است تا در کنار سایر متغیرهای تعیین‌کننده اقتصادی اجتماعی مانند سن و جنس و طبقه اجتماعی و غیره، نشان دهند که متغیر محل سکونت شهر و روستا نیز چه نقش و تأثیری بر موضوع مورد مطالعه دارد. به عبارت دقیق‌تر، هدف اصلی و محوری این مطالعات و تحقیقات، به طور خاص معطوف به بررسی نقش و تأثیر متغیر محل سکونت به منظور شناسایی وجود یا فقدان هم‌گرایی بین مناطق شهری و روستایی نبوده است. علاوه بر این، بررسی ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که تحقیقات انجام شده آن‌ها در این حوزه مطالعاتی غالباً محدود به یک موضوع معین، مثلاً سن ازدواج دختران یا مهاجرت و غیره بوده است و در همین چارچوب تلاش شده تا آن موضوع معین را برحسب طیف متنوعی از متغیرها از جمله متغیر محل سکونت شهر و روستا مورد بررسی قرار دهند. به همین جهت، با توجه به محدود بودن دایره و گستره موضوعی مطالعات انجام شده نمی‌توانند وجود یا فقدان هم‌گرایی بین مناطق شهری و روستایی را به طور مناسب و جامع بررسی کنند. بر همین اساس، تحقیق حاضر تلاش کرده است تا اولاً نقش متغیر محل سکونت شهر و روستا را به طور خاص و مشخص کانون توجه و مطالعه قرار دهد و ثانیاً دایره موضوعی تحقیق را نیز نه صرفاً به یک موضوع واحد، بلکه به ۵ موضوع مهم شامل: فرزندآوری، سیاست جمعیتی، سن ازدواج، طلاق و مهاجرت گسترش داده است تا از این طریق زمینه‌های مطلوب برای بررسی و شناخت هرچه بهتر و بیشتر هم‌گرایی شهری روستایی مرتبط با رویکردهای جمعیت‌شناختی فراهم آید.

### ۳. چارچوب نظری پژوهش

هم‌چنان‌که در بخش‌های پیشین نیز اشاره گردید، تحقیق حاضر در نظر دارد تا برپایه یک چشم‌انداز اجتماعی فرهنگی، الگوها و تعیین‌کننده‌های هم‌گرایی شهری-روستایی مرتبط با رویکردهای جمعیت‌شناختی را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد. در این چارچوب، ایده‌های تئوریک این تحقیق بر دو پایه اصلی استوار است. از دیدگاه نظریه پردازان و تئوریسین‌های برجسته، روند فزاینده و خیره‌کننده «فرآیند جهانی شدن»<sup>۱۳</sup> (گیدنز، ۱۳۸۴؛ واترز، ۱۹۹۵) سبب شده است تا جوامع معاصر با طیف بسیار متنوع، وسیع و

عمیق تحولات و تغییرات اجتماعی فرهنگی مواجه شوند. به عقیده این نظریه‌پردازان، این بخش از تحولات جهان معاصر در قالب خصوصیات هم‌چون: نوگرایی (ویلیام گود<sup>۱۴</sup>، ۱۹۶۳)، تغییرات اجتماعی (گیدنز، ۱۳۷۳)، فردگرایی و تغییرات بنیادین در نظام ارزش‌های جامعه (اینگلهارت، ۱۹۷۷؛ ون‌دکا، ۱۹۸۷؛ لشتاگه و سورکین؛ ۲۰۰۸، رولاند، ۲۰۱۲) تجلی یافته‌اند؛ به‌عنوان مثال، یکی از برجسته‌ترین تئوریسین‌های کلاسیک در این حوزه مطالعاتی، ویلیام گود (۱۹۶۳)، معتقد است که ریشه اصلی این تحولات بنیادین در وضعیت جامعه و خانواده معاصر را به‌طور خلاصه باید در مظاهر نوگرایی<sup>۱۵</sup>، یعنی صنعتی شدن و سایر صور نوگرایی مانند سیستم‌های پیشرفته ارتباطات و حمل‌ونقل جستجو کرد. «آنتونی گیدنز» (۱۳۷۳) نیز چالش‌های جامعه و خانواده نوین را درچارچوب تغییرات اجتماعی گسترده جوامع معاصر، به‌ویژه فردگرایی تبیین می‌کند؛ در عین حال، برخی دیگر از اندیشمندان معاصر مانند «دیرک ون دوکا»<sup>۱۶</sup> و «ران لستاق» یا «لشتاگه»<sup>۱۷</sup> نیز این رویکرد اجتماعی فرهنگی را در قالب تئوری گذار دوم جمعیت‌شناختی<sup>۱۸</sup> ارائه کرده‌اند. مطابق این تئوری، تحولات و چالش‌های جامعه و خانواده در دوران معاصر بیش از هر چیز ریشه در «فردگرایی»<sup>۱۹</sup> دارد، یعنی هنجارها و نگرش‌هایی که بیش از هر چیز بر روی حقوق و کامیابی‌های افراد تأکید و تکیه می‌کنند؛ درحالی‌که، در گذشته، جامعه معمولاً معطوف به خانواده و فرزندان بود و «دگرخواهی»<sup>۲۰</sup> نقش اصلی در زندگی خانوادگی ایفا می‌کرد. گفتنی است که این تغییرات بنیادین در نظام ارزش‌های جامعه معاصر را پیش‌تر نیز «رونالد اینگلهارت» (۱۹۷۷) تحت عنوان «انقلاب خاموش» و در کتابی با همین عنوان تبیین کرده بود<sup>۲۱</sup>.

علاوه بر این، نظریه‌پردازان و تئوریسین‌های معاصر بر این باورند که جهان امروزی را باید هم‌چون یک «جامعه جهانی»<sup>۲۲</sup> (می‌یر<sup>۲۳</sup>، ۲۰۱۰) یا حتی به مثابه یک «دهکده جهانی»<sup>۲۴</sup> (مک‌لوهان، ۱۹۶۴) تلقی کرد. به عقیده این صاحب‌نظران، ریشه و خاستگاه اصلی این ویژگی بی‌نظیر دوران معاصر را باید در پیشرفت‌های شگرف و فزاینده علم و تکنولوژی حمل‌ونقل و ارتباطات نوین جستجو کرد. در واقع، شدت و سرعت تأثیرات تکنولوژی‌های مدرن و پیشرفته ارتباطی به حدی چشمگیر و خیره‌کننده است که نه تنها برخی اندیشمندان و صاحب‌نظران برجسته، مانند فیلسوف معروف کانادایی «مارشال مک‌لوهان»<sup>۲۵</sup> (۱۹۶۴) و جامعه‌شناس و روان‌شناس مشهور آمریکایی «هارولد لاسول»<sup>۲۶</sup> (۱۹۴۸)، دوران معاصر را «عصر طلایی ارتباطات»<sup>۲۷</sup> نامیده‌اند، بلکه بر این باورند که حتی پیدایش و گسترش پدیده‌های نوین هم‌چون روند فزاینده و خیره‌کننده «فرآیند جهانی شدن»<sup>۲۸</sup> (گیدنز، ۱۳۸۴؛ واترز، ۱۹۹۵)، «جامعه جهانی»<sup>۲۹</sup> (می‌یر<sup>۳۰</sup>، ۲۰۱۰) و «دهکده جهانی»<sup>۳۱</sup> (مک‌لوهان، ۱۹۶۴) نیز عمدتاً ناشی از همین پیشرفت‌های روزافزون

در عرصه تکنولوژی‌های پیشرفته ارتباطی و رسانه‌ای است. در نتیجه، امروزه این امکان و فرصت برای همه جوامع در هر نقطه جهان فراهم آمده است تا بتوانند با سهولت و سرعت فراتر از محدوده‌ها و مرزهای بومی و محلی، ملی و بین‌المللی بیاندیشد و عمل کنند؛ بنابراین، چارچوب تئوریک تحقیق حاضر نیز مبتنی بر دو اصل بنیادین فوق‌الذکر، یعنی تغییرات اساسی در جوامع نوین، از جمله در رویکردهای افراد نسبت به خانواده و مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی مانند ازدواج و فرزندآوری و... (ویلیام گود، ۱۹۶۳؛ گیدنز، ۱۳۷۳؛ اینگلهارت، ۱۹۷۷؛ ون‌دکا، ۱۹۸۷؛ لشتاگه و سورکین، ۲۰۰۸؛ رولاند، ۲۰۱۲) و هم‌چنین پیدایش و گسترش «فرآیند جهانی شدن» (گیدنز، ۱۳۸۴؛ واترز، ۱۹۹۵)، «جامعه جهانی» (می‌یر، ۲۰۱۰) و «دهکده جهانی» (مک‌لوهان، ۱۹۶۴) منبعت از پیشرفت‌های تکنولوژیک در عرصه‌های ارتباطی و رسانه‌ای است و بر همین اساس تلاش می‌کند تا در حد توان و امکان خود، شواهد علمی و مستندات پژوهشی به منظور شناخت هرچه بهتر و بیشتر الگوها و تعیین‌کننده‌های هم‌گرایی شهری-روستایی مرتبط با رویکردهای جمعیت‌شناختی ارائه نماید.

#### ۴. روش‌شناسی پژوهش

داده‌های تحقیق این مقاله مبتنی بر نتایج یک بررسی پیمایشی است. با توجه به گستردگی جغرافیایی کشور ما و متناسب با بودجه و امکانات محدود پژوهشگران، مناطق کمابیش متعدد و گوناگون انتخاب شده‌اند که تا حدود قابل ملاحظه‌ای در بردارنده گستردگی جغرافیایی و تنوع‌های فرهنگی بخش‌هایی از کشور ما می‌باشند که می‌توان براساس آن‌ها برخی از مهم‌ترین الگوهای مرتبط با موضوع تحقیق را فراتر از یک شهرستان و در سطحی نسبتاً گسترده‌تر بررسی کرد. جمعیت نمونه این پژوهش پیمایشی را مجموعاً تعداد ۵۲۰۰ نفر مردان و زنان ۱۵ ساله و بالاتر ساکن در نقاط شهری و روستایی شهرستان‌های اسفراین، اهواز، بابلسر، بجنورد، خرم‌آباد، رشت، سقز، کامیاران، گرگان، گنبدکاووس، محمودآباد و همدان تشکیل می‌دهند. حجم نمونه تحقیق با استفاده از روش کوکران تعیین شده و برای گزینش نمونه‌های تحقیق نیز از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. اعتبار پرسش‌نامه، اعتبار صوری است و برای دستیابی به پایایی موردقبول، با انجام پیش‌آزمون و میانگین آلفای کرونباخ حدود ۰/۷۹، هم‌سازی گویه‌های پرسش‌نامه تأمین گردید. ابزار گردآوری داده‌های تحقیق نیز پرسش‌نامه ساخت یافته بود. پس از گردآوری داده‌های تحقیق با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه، از برنامه نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس<sup>۲۲</sup> برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق استفاده شده است که نتایج این تجزیه و تحلیل‌های تحقیق در بخش بعدی

مورد بررسی قرار می‌گیرند. جدول ۱، توزیع جمعیت نمونه تحقیق را به تفکیک نقاط شهری و روستایی شهرستان‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد.

جدول ۱. توزیع جمعیت نمونه تحقیق به تفکیک نقاط شهری و روستایی شهرستان‌های منتخب (نگارنده، ۱۳۹۹).

شهرستان و محل سکونت	نقاط شهری	نقاط روستایی	نقاط شهری و روستایی
شهرستان اسفراین	۲۲۷	۱۷۳	۴۰۰
شهرستان اهواز	۴۱۵	۴۶	۴۶۱
شهرستان بایلسر	۲۶۵	۲۹۱	۵۵۶
شهرستان بجنورد	۳۸۱	۸۹	۴۷۰
شهرستان خرم‌آباد	۲۵۰	۲۳۰	۴۸۰
شهرستان رشت	۲۵۰	۲۴۶	۴۹۶
شهرستان سقز	۲۵۰	۵۰	۳۰۰
شهرستان کامیاران	۲۵۰	۵۰	۳۰۰
شهرستان گرگان	۲۱۹	۲۱۸	۴۳۷
شهرستان گنبدکاووس	۳۰۰	۳۰۰	۴۰۰
شهرستان محمودآباد	۳۰۰	۳۰۰	۴۰۰
شهرستان همدان	۳۱۸	۱۸۲	۵۰۰
کل جمعیت نمونه تحقیق	۳۲۲۵	۱۹۷۵	۵۲۰۰

علاوه بر این، متغیر وابسته یا تابع این تحقیق رویکردهای جمعیت‌شناختی است که در تحقیق حاضر در قالب پنج مؤلفه اصلی به شرح زیر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. مؤلفه اول، مربوط به تمایلات فرزندآوری است که در پنج سطح شامل: بدون فرزند، ۱ فرزند، ۲ فرزند، ۳ فرزند، ۴ فرزند و بیشتر، مورد سنجش قرار گرفته است. مؤلفه دوم، مربوط به نگرش به سن ازدواج دختران است که در چهار سطح مشتمل بر: سنین زیر ۲۰ سال، ۲۱-۲۴ سال، ۲۵-۲۷ سال، ۲۸ سال و بالاتر مورد سنجش قرار گرفته است. سه مؤلفه جمعیت‌شناختی دیگر، شامل: سیاست افزایش جمعیت، طلاق به عنوان راه حل مشکلات زناشویی، و مهاجرت به خارج کشور می‌باشد که رویکرد افراد به هریک از این مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی در چهار سطح کاملاً موافق، موافق، مخالف، کاملاً مخالف مورد سنجش قرار گرفته است؛ از سوی دیگر، سه متغیر مستقل اصلی و محوری این تحقیق نیز عبارتند از: «متغیر جنس» شامل مردان و زنان؛ «متغیر سن» مشتمل بر پنج گروه سنی عمده: ۱۵-۲۴ ساله، ۲۵-۳۴ ساله، ۳۵-۴۴ ساله، ۴۵-۵۴ ساله، ۵۵ ساله و بالاتر، و متغیر «سطح تحصیلات» که در شش سطح شامل: بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی، دیپلم، فوق‌دیپلم، لیسانس و بالاتر مورد مطالعه و سنجش قرار گرفته است.

## ۵. یافته‌های پژوهش

### ۵-۱. رویکرد روستاییان و شهرنشینان به فرزندآوری و سیاست افزایش جمعیت

آیا می‌توان گفت که نوعی هم‌گرایی و هم‌سویی در رویکرد روستاییان و شهرنشینان نسبت به الگوهای فرزندآوری وجود دارد یا این‌که رویکردهای آنان در زمینه تمایلات فرزندآوری با هم‌دیگر متفاوت است؟ در پاسخ به این پرسش کلیدی پژوهش، داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که روستاییان و شهرنشینان در سه الگوی مرتبط با فرزندآوری با هم‌دیگر وجه مشترک و تشابه دارند و در یک الگو با هم متفاوت هستند: اول آن‌که، هم در بین روستاییان و هم در بین شهرنشینان، برجسته‌ترین و قوی‌ترین تمایل برای فرزندآوری، الگوی ۲ فرزند است؛ بدین معنای نزدیک به نیمی از روستاییان و حدود نیمی از شهرنشینان، خواهان ۲ فرزند هستند. دوم آن‌که، یکی دیگر از وجوه تشابه این است که هم در بین شهرنشینان و هم در بین روستاییان، تقریباً هیچ‌گونه تمایلی به الگوی بی‌فرزندی وجود ندارد؛ کمتر از ۲٪ هر یک از آنان خواهان الگوی بدون فرزند هستند. سوم آن‌که، میزان تمایل به الگوی تک‌فرزندی نیز، هم در بین روستاییان و هم در بین شهرنشینان اندک و ناچیز است؛ به طوری که حدود یک‌دهم روستاییان و حدود یک‌دهم شهرنشینان خواهان فقط ۱ فرزند هستند. چهارم آن‌که، تنها تفاوت در تمایلات فرزندآوری شهرنشینان و روستاییان مربوط به الگوی فرزندآوری زیاد است، هرچند این تفاوت نیز چندان برجسته و چشمگیر نیست؛ با این حال، روستاییان تا حدودی بیش از شهرنشینان خواهان فرزندآوری زیاد هستند. به عبارت دقیق‌تر، دو-پنجم روستاییان و یک-سوم شهرنشینان تمایل دارند تا صاحب ۳ فرزند و بیشتر باشند. این تفاوت شهری-روستایی در الگوی فرزندآوری زیاد را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که از یک سو اقتصاد معیشتی خانواده روستایی نیازمند نیروی کار فرزندان بیشتر است؛ از سوی دیگر، الزامات زندگی شهری و شرایط شهرنشینی سبب می‌شود تا شهرنشینان بیشتر به سوی خانواده کم‌فرزند سوق یابند.

علاوه بر این، تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق در خصوص رویکرد روستاییان و شهرنشینان نسبت به سیاست افزایش جمعیت نشان‌دهنده دو نکته اصلی است؛ نکته اول این‌که، اکثریت چشمگیر هم روستاییان و هم شهرنشینان، یعنی حدود دو-سوم آنان، دارای رویکرد منفی نسبت به سیاست افزایش جمعیت هستند. نکته دوم این‌که، اگرچه روستاییان تا حدودی بیشتر از شهرنشینان دارای رویکرد مثبت نسبت به سیاست افزایش جمعیت هستند، اما این تفاوت چندان برجسته و چشمگیر نیست؛ میزان نگرش مثبت نسبت به سیاست افزایش جمعیت در میان روستاییان در حدود ۳۵٪ و در میان شهرنشینان نیز حدود ۳۰٪ است. به عبارت دقیق‌تر، تنها حدود یک-سوم روستاییان و

نزدیک به یک-سوم شهرنشینان موافق با سیاست افزایش جمعیت هستند که در واقع، نشان‌دهنده یک نوع هم‌سوئی و هم‌گرایی بین روستاییان و شهرنشینان از نقطه نظر رویکرد آنان نسبت به سیاست افزایش جمعیت می‌باشد.

### ۵-۲. رویکرد شهرنشینان و روستاییان به سن ازدواج دختران، طلاق و مهاجرت

مطابق نتایج تحقیق حاضر در زمینه رویکرد شهرنشینان و روستاییان نسبت به سن ازدواج دختران می‌توان سه نکته اصلی را استنباط و اشاره کرد؛ نکته اول این‌که، برجسته‌ترین و پذیرفتنی‌ترین الگوی سن ازدواج دختران، هم در بین روستاییان و هم در بین شهرنشینان مربوط به سنین ۲۱-۲۴ سالگی است؛ بدین معنا که نزدیک به نیمی از روستاییان و قریب نیمی از شهرنشینان بر این باورند که سنین ۲۱-۲۴ سالگی به‌عنوان مناسب‌ترین سنین ازدواج دختران محسوب می‌شوند. نکته دوم این‌که، روستاییان تا حدودی بیش از شهرنشینان تمایل به ازدواج دختران در سنین پایین دارند؛ بدین معنا که یک-سوم روستاییان خواهان ازدواج دختران در سنین ۲۰ سالگی و پایین‌تر هستند، در حالی که این نسبت فقط یک-چهارم شهرنشینان را شامل می‌گردد. نکته سوم این‌که، برعکس، شهرنشینان تمایل قوی‌تر و بیشتری به ازدواج دختران در سنین بالاتر دارند؛ به‌عنوان مثال، حدود یک-سوم شهرنشینان خواهان ازدواج دختران در سنین بالای ۲۵ سال هستند؛ در حالی که این نسبت تنها یک-پنجم روستاییان را دربر می‌گیرد. به عبارت ساده‌تر، از یک سو یک‌سوم روستاییان خواهان ازدواج دختران در سنین ۲۰ سالگی و پایین‌تر هستند؛ و از سوی دیگر، یک-سوم شهرنشینان خواهان ازدواج دختران در سنین بالای ۲۵ سال هستند.

علاوه بر این، یافته‌های تحقیق حاضر در خصوص رویکرد شهرنشینان و روستاییان نسبت به طلاق و مهاجرت نشان‌دهنده این نکته اصلی است که اگرچه شهرنشینان تا حدودی بیشتر از روستاییان دارای نگرش مثبت نسبت به طلاق و مهاجرت هستند، اما واقعیت این است که این تفاوت‌های شهری-روستایی مرتبط با رویکرد به طلاق و مهاجرت، چندان برجسته و چشمگیر نیست؛ از یک طرف، حدود یک-سوم شهرنشینان و نزدیک به یک-سوم روستاییان دارای نگرش مثبت به طلاق هستند و حدود دو-سوم باقی‌مانده آن‌ها مخالف طلاق می‌باشند. از طرف دیگر، نیمی از شهرنشینان و نزدیک به نیمی از روستاییان دارای نگرش مثبت نسبت به مهاجرت هستند و نیم دیگر آنان نیز مخالف با مهاجرت می‌باشند؛ بنابراین، می‌توان گفت که در خصوص رویکرد به طلاق و مهاجرت نیز کمابیش شاهد یک نوع هم‌سوئی و هم‌گرایی بین روستاییان و شهرنشینان هستیم.

## جدول ۲. رویکردهای جمعیت‌شناختی روستاییان و شهرنشینان (نگارنده، ۱۳۹۹).

شهرنشینان و روستاییان	روستاییان	شهرنشینان	رویکردهای جمعیت‌شناختی
			<b>تمایلات فرزندآوری</b>
۱/۶	۱/۲	۱/۹	بی‌فرزند
۱۱/۷	۹/۵	۱۳/۲	۱ فرزند
۵۰/۶	۴۷/۵	۵۱/۵	۲ فرزند
۲۰/۸	۲۲/۱	۱۹/۹	۳ فرزند
۱۵/۳	۱۸/۷	۱۳/۵	۴ فرزند و بیشتر
۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	جمع
			<b>سیاست افزایش جمعیت</b>
۸/۲	۱۰/۳	۶/۹	کاملاً موافق
۲۴/۱	۲۵/۷	۲۲/۹	موافق
۳۳/۳	۳۱/۱	۳۴/۱	مخالف
۳۳/۴	۳۱/۲	۳۴/۷	کاملاً مخالف
۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	جمع
			<b>سن ازدواج دختران</b>
۳۰/۵	۳۵/۹	۲۶/۳	۲۰ سال و کمتر
۴۲/۴	۴۳/۷	۴۱/۶	۲۱-۲۴ سال
۲۱/۷	۱۵/۵	۲۵/۵	۲۵-۲۷ سال
۵/۴	۴/۳	۶/۶	۲۸ سال و بالاتر
۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	جمع
			<b>نگرش به طلاق</b>
۴/۷	۶/۷	۴/۱	کاملاً موافق
۲۴/۷	۲۲/۳	۲۷/۰	موافق
۳۸/۹	۳۹/۵	۳۸/۶	مخالف
۳۰/۷	۳۰/۹	۲۹/۹	کاملاً مخالف
۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	جمع
			<b>مهاجرت به خارج کشور</b>
۱۷/۹	۱۷/۲	۱۸/۴	کاملاً موافق
۳۰/۶	۲۹/۶	۳۱/۲	موافق
۲۹/۴	۲۹/۹	۲۹/۲	مخالف
۲۱/۶	۲۲/۷	۲۰/۹	کاملاً مخالف
۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	جمع
۵۲۰۰	۱۹۷۵	۳۲۲۵	جمع فراوانی

۳-۵. تعیین‌کننده‌های مرتبط با رویکردهای جمعیت‌شناختی شهرنشینان و روستاییان در بخش قبلی تلاش کردیم تا مهم‌ترین نتایج و یافته‌های تحقیق حاضر در خصوص الگوهای کلی مرتبط با رویکردهای جمعیت‌شناختی شهرنشینان و روستاییان را مورد بحث و بررسی قرار دهیم. در این بخش نشان می‌دهیم که آیا آن نتایج و الگوهای کلی تحت تأثیر سایر متغیرهای تعیین‌کننده، مانند: متغیر جنس مرد و زن، گروه سنی و سطح تحصیلات است یا خیر؟

## - زنان و مردان شهری - روستایی و رویکردهای جمعیت‌شناختی آنان

مطابق داده‌های تحقیق حاضر درخصوص تأثیرات متغیر جنس مرد و زن بر روی رویکردهای جمعیت‌شناختی روستاییان و شهرنشینان می‌توان به نکات عمده زیر اشاره کرد.

نکته اول این‌که، درخصوص تمایل به فرزندآوری زیاد یک نوع «هم‌سویی و هم‌گرایی جنسیتی» مشاهده می‌شود؛ بدین معناکه در هر یک از نقاط شهری و روستایی، مردان و زنان دارای رویکرد یکسان و مشابه هم‌دیگر نسبت به فرزندآوری زیاد هستند. به عبارت دقیق‌تر، در نقاط شهری، یک-سوم مردان و یک-سوم زنان خواهان ۳ فرزند و بیشتر هستند؛ همان طوری که در نقاط روستایی نیز دو-پنجم مردان و دو-پنجم زنان ترجیح می‌دهند که صاحب ۳ فرزند و بیشتر باشند.

نکته دوم این‌که، اصل «هم‌سویی و هم‌گرایی جنسیتی» فوق‌الاشاره، بر رویکرد روستاییان و شهرنشینان نسبت به سیاست افزایش جمعیت نیز صدق می‌کند، به طوری که مردان و زنان دارای رویکرد یکسان و مشابه نسبت به سیاست افزایش جمعیت هستند؛ حدود یک-سوم مردان و حدود یک-سوم زنان در هر یک از نقاط شهری و روستایی موافق با سیاست افزایش جمعیت هستند.

نکته سوم این‌که، بررسی تأثیرات متغیر جنس بر روی رویکرد شهرنشینان و روستاییان نسبت به دو مؤلفه جمعیت‌شناختی سن ازدواج دختران و طلاق نشان‌دهنده یک الگوی واحد و مشترک است؛ مردان بیش از زنان، مخالف با طلاق و موافق با ازدواج دختران در سنین پایین هستند. این الگو، هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی مشاهده می‌شود؛ به عنوان مثال، دو-پنجم مردان روستایی و کمتر از یک-سوم زنان روستایی با ازدواج دختران در سنین ۲۰ سال و کمتر موافق هستند؛ مثال دیگر این‌که، نزدیک به سه-چهارم مردان شهری و کمتر از دو-سوم زنان شهری دارای نگرش منفی نسبت به طلاق می‌باشند.

نکته چهارم این‌که، الگوی کاملاً متفاوت درخصوص تأثیرات متغیر جنس بر روی رویکرد شهرنشینان و روستاییان نسبت به مؤلفه جمعیت‌شناختی مهاجرت وجود دارد؛ بدین معناکه هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی، زنان بیش از مردان مخالف با مهاجرت هستند. به عبارت دیگر، مردان اعم از شهری و روستایی تمایل بیشتری به مهاجرت دارند؛ از یک سو، بیش از نیمی از مردان شهری و روستایی موافق با مهاجرت هستند؛ از سوی دیگر، بیش از نیمی از زنان شهری و روستایی دارای نگرش منفی نسبت به مهاجرت می‌باشند. بدین ترتیب، این بخش از یافته‌های تحقیق حاضر را می‌توان در چارچوب «تئوری کلاسیک مهاجرت» (اورت لی) (۱۹۶۶) موسوم به «تئوری جاذبه‌ها

جدول ۳. رویکردهای جمعیت‌شناختی روستاییان و شهرنشینان به تفکیک جنس (نگارنده، ۱۳۹۹).

رویکردهای جمعیت‌شناختی					محل سکونت و جنس
نگرش منفی به مهاجرت	نگرش منفی به طلاق	سن پایین ازدواج دختران (۲۰ سال و کمتر)	نگرش مثبت به سیاست افزایش جمعیت	ترجیح فرزندآوری زیاد (۳ فرزند و بیشتر)	
					شهرنشینان
					- مرد
۴۶/۶	۷۱/۸	۲۹/۸	۲۹/۳	۳۲/۸	
					- زن
۵۳/۷	۶۳/۱	۲۲/۷	۳۰/۲	۳۳/۵	
					روستاییان
					- مرد
۴۷/۷	۷۳/۶	۴۰/۰	۳۵/۰	۴۱/۸	
					- زن
۵۵/۲	۷۰/۵	۳۱/۱	۳۷/۰	۴۰/۰	

و دافعه‌های مهاجرت»<sup>۳۴</sup> تحلیل و تبیین کرد که بر اصل «گزینشی و انتخابی بودن» پدیده مهاجرت تأکید دارد و یکی از اساسی‌ترین معیارها و گزینه‌های انتخاب و گزینش آن نیز متغیر جنس است؛ بدین معنا که معمولاً (و نه لزوماً) مردان بیش از زنان مهاجرت می‌کنند.

#### - تأثیرات متغیر سن بر رویکردهای جمعیت‌شناختی روستاییان و شهرنشینان

آیا الگوهای کلی مرتبط با رویکردهای جمعیت‌شناختی شهرنشینان و روستاییان (که در بخش پیشین ارائه کردیم) تابعی از متغیر سن است؟ در پاسخ به این پرسش کلیدی پژوهش و مطابق نتایج تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق می‌توان نکات مهم زیر را استنباط و اشاره کرد.

اول آن‌که، تمایلات فرزندآوری روستاییان و شهرنشینان به‌طور کاملاً روشن و برجسته‌ای تحت تأثیر سن آن‌هاست، بدین معنا که هم‌زمان با افزایش سن روستاییان و شهرنشینان، تمایل آنان به فرزندآوری زیاد نیز روند تصاعدی طی می‌کند؛ به‌عنوان مثال، کمترین میزان تمایل به فرزندآوری زیاد متعلق به جوانان ۱۵-۲۴ سال است، به‌طوری‌که کمتر از یک-چهارم جوانان در نقاط شهری و یک-سوم جوانان در نقاط روستایی خواهان ۳ فرزند و بیشتر هستند، اما این نسبت در گروه‌های سنی بالاتر رو به افزایش نهاده و نهایتاً در مسن‌ترین گروه سنی، یعنی افراد بالای ۵۵ ساله به بیشترین حد می‌رسد؛ به‌طوری‌که بیش از نیمی از شهرنشینان بالای ۵۵ ساله و دو-سوم روستاییان بالای ۵۵ ساله تمایل به فرزندآوری زیاد، یعنی ۳ فرزند و بیشتر دارند.

دوم آن‌که، در خصوص تأثیرات متغیر سن بر رویکرد شهرنشینان و روستاییان به سیاست افزایش جمعیت، اگرچه یک روند یکنواخت و منظم برحسب سن وجود ندارد، اما یک نکته کماکان برجسته و نمایان است؛ بیشترین و قوی‌ترین میزان نگرش مثبت

نسبت به سیاست افزایش جمعیت هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی متعلق به مسن‌ترین گروه سنی، یعنی افراد بالای ۵۵ ساله است؛ به طوری که نزدیک به نیمی از روستاییان بالای ۵۵ ساله و بیش از یک-سوم شهرنشینان بالای ۵۵ ساله موافق با سیاست افزایش جمعیت هستند، در حالی که این نسبت در گروه‌های سنی جوان‌تر به مراتب کمتر است؛ به طور مثال، کمتر از یک-چهارم شهرنشینان ۲۵-۳۴ ساله و کمتر از یک-سوم روستاییان ۳۵-۴۴ ساله دارای نگرش مثبت به سیاست افزایش جمعیت هستند.

سوم آن‌که، در دو مؤلفه جمعیت‌شناختی دیگر، یعنی سن ازدواج دختران و طلاق نیز اگرچه یک روند یکنواخت و منظم برپایه سن مشاهده نمی‌شود، اما آن‌الگوی فوق‌الشاره در اینجا نیز صدق می‌کند؛ هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی، نه تنها بیشترین تمایل به ازدواج دختران در سنین پایین، بلکه شدیدترین نگرش منفی نسبت به طلاق نیز متعلق به مسن‌ترین گروه سنی، یعنی افراد بالای ۵۵ ساله است؛ به عنوان مثال، نزدیک به نیمی از روستاییان بالای ۵۵ ساله و بیش از یک-سوم شهرنشینان بالای ۵۵ ساله موافق با ازدواج دختران در سنین ۲۰ سال و کمتر هستند. مثال دیگر این‌که، بیش از چهار-پنجم هم روستاییان و هم شهرنشینان بالای ۵۵ ساله مخالف با طلاق هستند و تنها کمتر از یک-پنجم باقی‌مانده آنان موافق با طلاق می‌باشند، در حالی که این میزان‌ها در گروه‌های سنی پایین‌تر و جوان‌تر به مراتب کمتر است؛ به طور مثال، کمتر از یک-چهارم شهرنشینان ۲۵-۳۴ ساله و کمتر از یک-سوم روستاییان ۲۵-۳۴ ساله با ازدواج دختران در سنین ۲۰ سال و کمتر موافق هستند. مثال دیگر این‌که، در حدود یک-سوم جوانان ۱۵-۲۴ ساله ساکن در نقاط شهری و نقاط روستایی موافق با طلاق می‌باشند.

چهارم آن‌که، متغیر سن نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای بر روی رویکرد روستاییان و شهرنشینان نسبت به مهاجرت خارج از کشور ایفا می‌کند. بدین معنا که داده‌های تحقیق حاضر به وضوح نشان می‌دهد که به موازات افزایش سن روستاییان و شهرنشینان، تمایل آنان به مهاجرت روند نزولی طی می‌کند؛ به عنوان مثال، قوی‌ترین میزان تمایل به مهاجرت متعلق به جوانان ۱۵-۲۴ سال است، به طوری که بیش از دو-سوم جوانان در نقاط شهری و بیش از نیمی از جوانان در نقاط روستایی تمایل به مهاجرت دارند، اما این نسبت در گروه‌های سنی بالاتر رو به کاهش نهاده و نهایتاً در مسن‌ترین گروه سنی یعنی افراد بالای ۵۵ ساله به کمترین میزان تنزل می‌یابد، به طوری که اکثریت چشمگیر آنان، یعنی بیش از سه-چهارم آن‌ها دارای نگرش منفی نسبت به مهاجرت هستند. به عبارت دقیق‌تر، میزان نگرش مثبت به مهاجرت در بین جوانان ۱۵-۲۴ ساله شهری بیش از دو برابر میزان آن در بین شهرنشینان بالای

۵۵ ساله، و در بین جوانان ۱۵-۲۴ ساله روستایی نیز نزدیک به دو برابر میزان آن در بین روستاییان بالای ۵۵ ساله می‌باشد. به عبارتی ساده‌تر، جوانان و میانسالان اعم از شهری و روستایی تمایل به مراتب قوی‌تر و بیشتری برای مهاجرت به خارج کشور دارند. برای تبیین این بخش از یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان از تئوری کلاسیک مهاجرت «اورت‌لی» (۱۹۶۶)<sup>۳۵</sup> موسوم به «تئوری جاذبه‌ها و دافعه‌های مهاجرت»<sup>۳۶</sup> استفاده کرد؛ زیرا مطابق این تئوری، مهاجرت معمولاً یک پدیده «گزینشی و انتخابی» است، بدین معنا که افراد برخوردار از یک سری ویژگی‌ها و معیارهای خاص غالباً اقدام به مهاجرت می‌کنند و یکی از مهم‌ترین این معیارها نیز متغیر سن است، به طوری که جوانان معمولاً بیش از سایرین تمایل به مهاجرت دارند.

### رویکردهای جمعیت‌شناختی روستاییان و شهرنشینان بر حسب سطح تحصیلات

در این بخش، یافته‌های تحقیق حاضر را در پاسخ به یک پرسش کلیدی پژوهش ارائه می‌دهیم: آیا الگوهای کلی مرتبط با رویکردهای جمعیت‌شناختی شهرنشینان و روستاییان (که در بخش پیشین ارائه کردیم) تحت تأثیر سطح تحصیلات آن‌هاست؟ در چارچوب این پرسش کلیدی تحقیق و مطابق نتایج تجزیه و تحلیل‌های تحقیق حاضر می‌توان به نکات اصلی زیر اشاره کرد.

نکته اول این‌که، تمایلات فرزندآوری روستاییان و شهرنشینان به طور کاملاً برجسته‌ای تحت تأثیر سطح تحصیلات آن‌هاست. مطابق یافته‌های این تحقیق، یک رابطه معکوس بین سطح تحصیلات و تمایلات فرزندآوری روستاییان و شهرنشینان وجود دارد، بدین معنا که هرچه بر سطح تحصیلات افزوده می‌گردد، از شدت تمایلات فرزندآوری کاسته می‌شود؛ به عبارت دقیق‌تر، بیشترین و قوی‌ترین تمایل به فرزندآوری در بین بی‌سوادان و کم‌سوادان مشاهده می‌شود، به طوری که بیش از دو-سوم بی‌سوادان و کم‌سوادان ساکن در نقاط شهری و روستایی خواهان ۳ فرزند و بیشتر هستند. اما هم‌زمان با افزایش سطح تحصیلات روستاییان و شهرنشینان، این نسبت به طور یکنواخت و منظم روبه کاهش می‌گذارد و نهایتاً در بین تحصیل‌کردگان دانشگاهی به کمترین نسبت تقلیل می‌یابد؛ به طوری که تنها یک-چهارم شهرنشینان با تحصیلات دانشگاهی و کمتر از یک-سوم روستاییان با تحصیلات دانشگاهی تمایل دارند تا صاحب ۳ فرزند یا بیشتر باشند. به عبارت دقیق‌تر، میزان تمایل به فرزندآوری زیاد در بین بی‌سوادان و کم‌سوادان با تحصیلات ابتدایی ساکن در نقاط شهری و روستایی بیش از دو برابر میزان آن در بین شهرنشینان و روستاییان برخوردار از تحصیلات دانشگاهی است.

جدول ۴. رویکردهای جمعیت‌شناختی روستاییان و شهرنشینان به تفکیک گروه‌های سنی (نگارنده، ۱۳۹۹).

رویکردهای جمعیت‌شناختی	۲۴-۱۵ ساله	۳۴-۲۵ ساله	۴۴-۳۵ ساله	۵۴-۴۵ ساله	۵۵ ساله و بالاتر
ترجیح فرزندآوری زیاد (۳ فرزند و بیشتر)					
- شهرنشینان	۲۳/۳	۲۹/۷	۳۷/۴	۴۳/۷	۵۶/۲
- روستاییان	۳۴/۲	۳۴/۷	۴۰/۴	۵۱/۲	۶۶/۳
نگرش مثبت به سیاست افزایش جمعیت					
- شهرنشینان	۳۲/۳	۲۴/۴	۳۱/۲	۳۲/۹	۳۶/۱
- روستاییان	۳۶/۷	۳۴/۹	۳۰/۷	۳۶/۵	۴۴/۸
سن پایین ازدواج دختران (۲۰ سال و کمتر)					
- شهرنشینان	۲۶/۵	۲۲/۷	۲۶/۷	۲۸/۶	۳۷/۴
- روستاییان	۳۴/۴	۳۱/۴	۳۷/۷	۳۷/۸	۴۸/۱
نگرش منفی به طلاق					
- شهرنشینان	۶۳/۸	۶۶/۵	۶۷/۹	۷۰/۷	۸۰/۹
- روستاییان	۶۷/۵	۷۲/۶	۶۹/۱	۷۳/۹	۸۳/۴
نگرش منفی به مهاجرت					
- شهرنشینان	۳۱/۱	۴۸/۴	۵۶/۵	۶۲/۶	۷۵/۳
- روستاییان	۴۱/۰	۴۷/۰	۵۲/۹	۶۵/۲	۷۶/۸

نکته دوم این‌که، رویکرد روستاییان و شهرنشینان نسبت به سیاست افزایش جمعیت نیز قویاً تابعی از سطح تحصیلات آن‌هاست. مطابق نتایج این تحقیق، قوی‌ترین طرفداران سیاست افزایش جمعیت هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی، بی‌سوادان و کم‌سوادان هستند. اما هم‌زمان با بالا رفتن سطح تحصیلات روستاییان و شهرنشینان، شدت و قوت جانب‌داری آنان از سیاست افزایش جمعیت به‌طور کاملاً چشمگیری روند نزولی طی می‌کند. به عبارت دقیق‌تر، نزدیک به نیمی از روستاییان و شهرنشینان بی‌سواد و کم‌سواد با تحصیلات ابتدایی موافق با سیاست افزایش جمعیت هستند، اما این نسبت در سطوح بالاتر تحصیلات رو به کاهش می‌گذارد و نهایتاً در بین شهرنشینان و روستاییان دارای تحصیلات دانشگاهی به کمترین میزان تنزل می‌یابد به طوری که تنها حدود یک-چهارم آن‌ها دارای نگرش مثبت نسبت به سیاست افزایش جمعیت هستند.

نکته سوم این‌که، سطح تحصیلات نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای بر رویکرد روستاییان و شهرنشینان نسبت به سن ازدواج دختران ایفا می‌کند؛ به طوری که هرچه بر سطح تحصیلات افزوده می‌شود، رویکرد آنان نسبت به ازدواج دختران در سنین پایین ضعیف‌تر و کم‌رنگ‌تر می‌گردد. به عبارت دقیق‌تر، در حدود نیمی از روستاییان و شهرنشینان بی‌سواد و کم‌سواد با تحصیلات ابتدایی موافق با ازدواج دختران در سنین ۲۰ سال و پایین‌تر هستند، اما این نسبت در سطوح بالاتر تحصیلات روند نزولی طی

می‌کند و نهایتاً کمترین حد آن مربوط به تحصیل‌کردگان دانشگاهی ساکن در نقاط شهری و روستایی است، بدین معنا که کمتر از یک-پنجم آنان با ازدواج دختران در سنین ۲۰ سال و پایین‌تر موافق هستند. به عبارت دیگر، میزان نگرش مثبت نسبت به ازدواج دختران در سنین ۲۰ سال و پایین‌تر در بین بی‌سوادان و کم‌سوادان با تحصیلات ابتدایی ساکن نقاط شهری و روستایی بیش از دو برابر میزان آن در بین تحصیل‌کردگان دانشگاهی ساکن در نقاط شهری و روستایی است.

نکته چهارم این‌که، مطابق یافته‌های تحقیق حاضر رویکرد روستاییان و شهرنشینان نسبت به طلاق نیز تابعی از سطح تحصیلات آن‌هاست؛ در واقع، هرچه بر سطح تحصیلات افزوده می‌شود، میزان نگرش مثبت به طلاق نیز روند تصاعدی طی می‌کند. این الگو هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی مشهود است. براین اساس، کمترین و پایین‌ترین میزان نگرش مثبت به طلاق در بین بی‌سوادان و کم‌سوادان با تحصیلات ابتدایی مشاهده می‌شود؛ به طوری که کمتر از یک-چهارم آنان موافق طلاق هستند و اکثریت چشمگیر آنان، یعنی بیش از سه-چهارم باقی مانده با طلاق مخالفند. اما میزان نگرش مثبت به طلاق در سطوح بالاتر تحصیلات رو به افزایش می‌گذارد و نهایتاً در سطح تحصیلات دانشگاهی به بالاترین حد خود می‌رسد، بدین معنا که بیش از یک-سوم تحصیل‌کردگان دانشگاهی ساکن در نقاط شهری و روستایی موافق با طلاق هستند.

نکته پایانی این‌که، رویکرد روستاییان و شهرنشینان نسبت به مهاجرت خارج از کشور نیز به طور قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر سطح تحصیلات آن‌هاست. بدین معنا که هم در نقاط روستایی و هم در نقاط شهری، کمترین میزان تمایل به مهاجرت متعلق به بی‌سوادان و کم‌سوادان با تحصیلات ابتدایی است، به طوری که اکثریت چشمگیر آنان یعنی بیش از دو-سوم آن‌ها مخالف مهاجرت هستند؛ در حالی که به موازات افزایش سطح تحصیلات از شدت و قوت مخالفت با مهاجرت کاسته می‌شود، به طوری که حتی حدود نیمی از روستاییان و شهرنشینان با تحصیلات دیپلم نیز موافق با مهاجرت می‌باشند. این نسبت نهایتاً در بین افراد با تحصیلات عالی به نقطه اوج خود می‌رسد، بدین معنا که بیش از دو-سوم شهرنشینان دارای تحصیلات دانشگاهی و بیش از نیمی از روستاییان با تحصیلات دانشگاهی موافق با مهاجرت می‌باشند. این نتایج تحقیق حاضر را نیز می‌توان در راستای «نظریه جاذبه‌ها و دافعه‌های مهاجرت»<sup>۳۷</sup> (اورت‌لی، ۱۹۶۶)<sup>۳۸</sup> تحلیل و تبیین کرد؛ بدین معنا که فرآیند طبیعی و معمول مهاجرت به گونه‌ای است که افراد برخوردار از برخی خصوصیات و معیارهای معین، غالباً دست به مهاجرت می‌زنند. در همین چارچوب می‌توان به سطوح بالاتر تحصیلات و مهارت به عنوان یکی

جدول ۵. رویکردهای جمعیت‌شناختی روستاییان و شهرنشینان به تفکیک سطح تحصیلات (نگارنده، ۱۳۹۹).

رویکردهای جمعیت‌شناختی	بی‌سواد	ابتدایی	راهنمایی	دیپلم	فوق‌دیپلم	لیسانس و بالاتر
ترجیح فرزندآوری زیاد (۳ فرزند و بیشتر)						
- شهرنشینان	۷۳/۷	۶۵/۳	۴۵/۰	۲۹/۸	۲۸/۷	۲۶/۱
- روستائیان	۶۸/۱	۶۷/۱	۴۲/۰	۳۶/۴	۳۵/۰	۳۰/۲
نگرش مثبت به سیاست افزایش جمعیت						
- شهرنشینان	۴۸/۵	۴۴/۷	۳۵/۶	۲۸/۹	۳۱/۸	۲۳/۹
- روستائیان	۴۷/۹	۴۳/۹	۴۱/۴	۳۷/۱	۳۱/۰	۲۷/۲
سن پایین ازدواج دختران (۲۰ سال و کمتر)						
- شهرنشینان	۵۳/۹	۵۰/۳	۴۲/۷	۳۷/۱	۲۲/۳	۱۷/۵
- روستائیان	۵۲/۳	۴۶/۸	۴۲/۴	۳۹/۷	۳۲/۳	۱۹/۹
نگرش منفی به طلاق						
- شهرنشینان	۸۰/۰	۷۷/۲	۷۲/۵	۶۸/۲	۶۴/۷	۶۴/۶
- روستائیان	۷۹/۴	۷۵/۷	۷۴/۵	۷۲/۴	۶۹/۴	۶۵/۴
نگرش منفی به مهاجرت						
- شهرنشینان	۷۳/۱	۶۸/۳	۶۱/۳	۵۳/۱	۴۲/۸	۳۱/۱
- روستائیان	۷۷/۹	۶۸/۶	۶۲/۷	۵۱/۱	۴۸/۳	۴۲/۲

از مهم‌ترین معیارها و گزینه‌های انتخاب و گزینش مهاجرین استناد کرد که به‌ویژه با سیاست‌های مهاجرتی دوران معاصر مانند «برنامه مهاجرین متخصص و ماهر»<sup>۳۹</sup> هم‌خوانی و مطابقت بیشتری دارد.

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر تلاش کرده است تا در حد توان و امکان خود، شواهد علمی و مستندات پژوهشی را به‌منظور شناخت هرچه بهتر و بیشتر الگوها و تعیین‌کننده‌های هم‌گرایی شهری-روستایی مرتبط با رویکردهای جمعیت‌شناختی ارائه نماید. خاستگاه اصلی مسأله تحقیق حاضر مبتنی بر دو اصل بنیادین است؛ بدین معنا که از یک سو عصر جدید شاهد تغییرات بنیادین در نظام ارزش‌های جامعه، نوگرایی و فردگرایی، و تحولات بنیادین در جهت‌گیری‌های افراد نسبت به ارزش‌های جامعه و خانواده، مانند تغییرات در رویکردهای انسان معاصر به الگوهای ازدواج، فرزندآوری، طلاق و مهاجرت و غیره است (ویلیام گود، ۱۹۶۳؛ گیدنز، ۱۳۷۳؛ اینگلههارت، ۱۹۷۷؛ ون دکا، ۱۹۸۷؛ لشتاگه و سورکین، ۲۰۰۸؛ رولاند، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، عصر جدید از پیشرفت‌های تکنولوژیک در عرصه‌های ارتباطی و رسانه‌ای بهره‌مند شده است که نقش تعیین‌کننده‌ای در پیدایش و گسترش «فرآیند جهانی شدن» (گیدنز، ۱۳۸۴؛ واترز، ۱۹۹۵)، «جامعه جهانی» (می‌یر، ۲۰۱۰) و «دهکده جهانی» (مک‌لوهان، ۱۹۶۴) ایفا کرده است؛ به طوری که نه تنها این فرصت بی‌نظیر را برای انسان‌های عصر جدید در هر نقطه جهان فراهم کرده تا بتوانند

با سهولت و سرعت در ورای مرزهای بومی و محلی، ملی و بین‌المللی بیاندیشد و عمل کنند؛ بلکه سبب شده است تا این قبیل تغییرات ارزشی و نگرشی بتوانند همهٔ جوامع و افراد در سرتاسر جهان را شامل گردند. درهمین چارچوب، تحقیق حاضر بر این پرسش کلیدی تمرکز کرده است که، آیا این اصل فراگیر و جهانگیر بودن تغییرات ارزشی و نگرشی را می‌توان در نقاط شهری و روستایی نیز مشاهده کرد؟ به عبارت دقیق‌تر، آیا روستاییان و شهرنشینان به یک نوع هم‌گرایی و هم‌سویی رسیده‌اند، بدین معنا که آیا آن‌ها دارای رویکردهای جمعیت‌شناختی کمابیش همانند و مشابه همدیگر هستند یا این‌که این رویکردها در نقاط شهری و روستایی کماکان با هم متفاوت است؟ علاوه بر این، در این تحقیق تلاش شده است تا برخی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های هم‌گرایی شهری - روستایی مرتبط با رویکردهای جمعیت‌شناختی را مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

بخش نخست یافته‌های این تحقیق، ناظر بر مهم‌ترین الگوهای مرتبط با نحوهٔ رویکرد روستاییان و شهرنشینان نسبت به مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی پنج‌گانهٔ این تحقیق مشتمل بر تمایلات فرزندآوری، سیاست افزایش جمعیت، سن ازدواج دختران، طلاق و مهاجرت خارج کشور است. مطابق این بخش از یافته‌های تحقیق، بین روستاییان و شهرنشینان یک نوع هم‌سویی و هم‌گرایی قابل ملاحظه‌ای در زمینهٔ تمایلات فرزندآوری وجود دارد؛ بدین معنا که نه‌تنها بیشترین تمایل آنان به الگوی ۲ فرزند است (نزدیک به نیمی از روستاییان و حدود نیمی از شهرنشینان، خواهان ۲ فرزند هستند)، بلکه تمایل به تک‌فرزندی و به‌ویژه بی‌فرزندی هم در بین روستاییان و هم در بین شهرنشینان بسیار اندک و ضعیف است. تمایل بالنسبه قوی‌تر روستاییان به الگوی فرزندآوری زیاد (۳ فرزند و بیشتر) را باید عمدتاً محصول اقتضانات اقتصادی معیشتی خانواده روستایی نیازمند نیروی کار فرزندان بیشتر دانست؛ درحالی‌که شهرنشینان تحت تأثیر الزامات زندگی شهری تمایل بیشتری به سوی خانوادهٔ کم‌فرزند دارند. درعین حال، باید تأکید کرد که حتی این تفاوت بین روستاییان و شهرنشینان در زمینهٔ فرزندآوری زیاد نیز چندان برجسته و چشمگیر نیست. علاوه بر این، از نقطه نظر رویکرد به سیاست افزایش جمعیت نیز یک نوع هم‌سویی و هم‌گرایی بین روستاییان و شهرنشینان مشاهده می‌شود؛ بدین معنا که اکثریت چشمگیر آنان دارای نگرش منفی نسبت به سیاست افزایش جمعیت می‌باشند و تنها حدود یک-سوم روستاییان و شهرنشینان با سیاست افزایش جمعیت موافق هستند. علاوه بر این، اصل هم‌سویی و هم‌گرایی بر رویکرد روستاییان و شهرنشینان بر دو مؤلفهٔ جمعیت‌شناختی دیگر، یعنی طلاق و مهاجرت نیز صدق می‌کند؛ بدین معنا که نحوهٔ رویکرد روستاییان و شهرنشینان به هریک از این دو مؤلفه کمابیش مشابه و همانند یکدیگر است؛ حدود یک-سوم

شهرنشینان و نزدیک به یک-سوم روستاییان موافق طلاق هستند، نیمی از شهرنشینان و نزدیک به نیمی از روستاییان نیز دارای نگرش مثبت نسبت به مهاجرت خارج کشور می‌باشند. با این همه، رویکرد شهرنشینان و روستاییان نسبت به سن ازدواج دختران تا حدودی با همدیگر متفاوت است؛ اگرچه سنین ۲۱-۲۴ سالگی هم از نظر روستاییان و هم شهرنشینان به عنوان پذیرفتنی‌ترین الگوی سن ازدواج دختران تلقی می‌گردد. به طوری که نزدیک به نیمی از روستاییان و قریب نیمی از شهرنشینان آن را مناسب‌ترین سنین ازدواج دختران می‌دانند، اما روستاییان تا حدودی بیش از شهرنشینان تمایل به ازدواج دختران در سنین پایین دارند؛ از یک سو یک-سوم روستاییان خواهان ازدواج دختران در سنین ۲۰ سالگی و پایین‌تر هستند؛ و از سوی دیگر، یک-سوم شهرنشینان خواهان ازدواج دختران در سنین بالای ۲۵ سال می‌باشند.

بخش دوم یافته‌های این تحقیق نیز معطوف به تأثیرات متغیرهای اصلی بر روی رویکردهای جمعیت‌شناختی روستاییان و شهرنشینان است. مباحث این بخش به وضوح نشان داده است که این متغیرها نقش تعیین‌کننده‌ای بر روی رویکردهای جمعیت‌شناختی روستاییان و شهرنشینان ایفا می‌کنند؛ به عنوان مثال، جوانان و میانسالان شهری و روستایی و همچنین افراد دارای تحصیلات بالاتر، به ویژه تحصیل‌کردگان دانشگاهی ساکن در نقاط شهری و روستایی، نه تنها تمایل کمتری به فرزندآوری و سیاست افزایش جمعیت دارند، بلکه به طور قابل ملاحظه‌ای رویکرد مثبت‌تری نسبت به ازدواج دختران در سنین بالاتر، طلاق و مهاجرت نیز دارند. برعکس، بزرگسالان و کم‌سوادان و بی‌سوادان روستایی و شهری، از یک سو تمایل قوی‌تری به فرزندآوری زیاد و سیاست افزایش جمعیت و ازدواج دختران در سنین پایین دارند و از سوی دیگر، غالباً دارای رویکرد منفی نسبت به طلاق و مهاجرت هستند.

به طور خلاصه، نتایج این تحقیق دو نکته اساسی را مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد؛ اول آن که، در راستای «فرآیند جهانی شدن» (گیدنز، ۱۳۸۴؛ واترز، ۱۹۹۵)، «جامعه جهانی» (می‌یر، ۲۰۱۰) و «دهکده جهانی» (مک‌لوهان، ۱۹۶۴) منبعث از پیشرفت‌های تکنولوژیک در عرصه‌های ارتباطی و رسانه‌ای، هم نقاط شهری و هم نقاط روستایی به طور چشمگیری با تغییرات بنیادین در جهت‌گیری‌های افراد نسبت به ارزش‌های جامعه و خانواده (ویلیام گود، ۱۹۶۳؛ گیدنز، ۱۳۷۳؛ اینگلهارت، ۱۹۷۷؛ ون‌دکا، ۱۹۸۷؛ لشتاگه و سورکین، ۲۰۰۸؛ رولاند؛ ۲۰۱۲) مواجه شده‌اند؛ به طوری که رویکردهای روستاییان و شهرنشینان نسبت به مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی مانند الگوهای ازدواج، فرزندآوری، طلاق و مهاجرت، بیشتر به سوی یک نوع هم‌سوایی و هم‌گرایی سوق پیدا کرده است. دوم این که، یافته‌های تحقیق حاضر بر این نکته نیز صحه می‌گذارد که

لازم است تا نقش و تأثیرات عوامل تعیین‌کننده دیگر مانند متغیر سن و سطح تحصیلات و غیره نیز مورد توجه و مطالعه قرار گیرد تا زمینه مطلوب برای شناخت هر چه بهتر و بیشتر هم‌گرایی شهری - روستایی مرتبط با رویکردهای جمعیت‌شناختی فراهم گردد.

## پی‌نوشت

1. Urban-Rural Convergence of Demographic Attitudes
2. Marshall McLuhan
3. Harold Lasswell
4. The Golden Age of Communications
5. The World Society
- 6.- J. W. Meyer
7. The Global Village
8. The Globalization Theory
9. Good, W. J. (1963)
10. The Second Demographic Transition Theory
11. Ron Lesthaghe
12. World Value Survey (WVS)
13. The Globalization Theory
14. Good, W. J. (1963)
15. Modernization
16. Dirk J. van de Kaa
17. Ron Lesthaghe
18. The Second Demographic Transition Theory
19. Individualism
20. Altruism
21. Ronald, I., (1977). "The Silent Revolution: Changing values and political styles among WesternPublics.
22. The World Society
23. J. W. Meyer
24. The Global Village
25. Marshall McLuhan
- 26.- Harold Lasswell
27. The Golden Age of Communications
28. The Globalization Theory
29. The World Society
30. J. W. Meyer
31. The Global Village
32. SPSS
33. Lee, E. S. (1966), "A Theory of Migration"
34. Pull-Push Theory of Migration
35. Lee, E. S. (1966), "A Theory of Migration"
36. Pull-Push Theory of Migration
37. Pull-Push Theory of Migration
38. Lee, E. S. (1966), "A Theory of Migration"
39. Skilled Migrants Program

## کتابنامه

- افراخته، حسن، (۱۳۷۵). «تفاوت اهداف باروری بین زن و مرد، عوامل و نتایج

- آن؛ مطالعه موردی سیستان و بلوچستان». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۱، صص: ۱۲۳-۱۱۶.
- خلیج آبادی فراهانی، فریده؛ و سرایی، حسن، (۱۳۹۵). «واکاوی شرایط زمینه ساز قصد و رفتار تک فرزندی در تهران». مطالعات راهبردی زنان، شماره ۷۱، صص: ۲۹-۵۸.
- خیاط غیائی، پروین؛ لادن، معین؛ و لهراسب، روستا، (۱۳۸۹). «بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده- شیراز». زن و جامعه، شماره ۱، صص: ۷۷-۱۰۳.
- رستمعلی زاده، ولی‌الله؛ و قاسمی اردهایی، علی، (۱۳۹۶). «ماندن یا ترک کردن؛ چالش‌های مهاجرتی جوانان روستایی». فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۸، شماره ۲، تابستان، صص: ۲۸۲-۲۹۹.
- رضوی زاده، ندا؛ غفاریان، الهه؛ و اخلاقی، آمنه، (۱۳۹۴). «زمینه‌های کم فرزند طلبی و تأخیر در فرزندآوری، مورد مطالعه: زنان مشهد». راهبرد فرهنگ، دوره ۸، شماره ۳۱، صص: ۷۳-۹۸.
- ریاحی، محمداسماعیل؛ علی وردی نیا، اکبر؛ بهرامی کاکاوند، سیاوش، (۱۳۸۶)، تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه). زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۵، شماره ۳، صص: ۱۰۹-۱۴۰.
- زنجانی، حبیب‌الله، (۱۳۸۹). تحلیل جمعیت‌شناختی. چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.
- سرایی، حسن، (۱۳۸۷). «گذار جمعیتی دوم، با نیم نگاهی به ایران». نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۳، شماره ۶، صص: ۱۴۰-۱۱۸.
- شاکریان، عطا، (۱۳۸۸)، «ترسیم خانواده جهت تحلیل روان‌شناختی در خانواده‌های عادی و تک‌والدی». مجله اصول بهداشت روانی، دوره ۱۱، شماره ۴۴، صص: ۳۱۲-۳۲۱.
- فروتن، یعقوب، (۱۳۹۴). «پیامدهای هویتی تحولات جمعیتی و نهاد خانواده در ج.ا. ایران». نامه هویت، دوره ۲، شماره ۱۵، صص: ۳۸-۳۱.
- فروتن، یعقوب، (۱۳۹۲). «چالش‌های خانواده معاصر و نوگرایی با تأکید بر طلاق در فرآیند گذار جمعیتی». مسائل اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۲، صص: ۱۲۲-۱۰۵.
- فروتن، یعقوب، (۱۳۷۹). «ملاحظات جمعیتی در فرهنگ عامه ایران». فصلنامه جمعیت، دوره ۸، شماره ۳۱ و ۳۲، صص: ۶۹-۴۶.
- فروتن، یعقوب؛ و میرزایی، سمیه، (۱۳۹۵). «نگرش به طلاق و تعیین‌کننده‌های آن در ایران». مطالعات جمعیتی، دوره ۱، شماره ۲، صص: ۱۹۳-۲۲۵.

- قاسمی‌اردهایی، علی، (۱۳۸۶). «تأثیر محل زندگی (شهر/ روستا) بر زمان ازدواج زنان در ایران». فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲، تابستان، صص: ۶۳-۸۵.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال؛ و مکدونالد، پیترا؛ حسینی‌چاوشی، میمنت؛ و کاوه فیروز، زینت، (۱۳۸۱). «بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتار باروری در استان یزد با استفاده از روش‌های کیفی». نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۲۰، صص: ۱۶۹-۲۰۳.
- کاظمی‌پور، شهلا، (۱۳۸۳). «تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن». فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۳، پاییز، صص: ۱۲۴-۱۰۳.
- کریمیان، نادر؛ و زارعی، اقبال، (۱۳۹۵). «بررسی کیفی وضعیت زندگی زنان دارای روابط هم‌خانگی با جنس مخالف». زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، شماره ۷، صص: ۳۹-۶۷.
- کریمیان، نادر؛ سالاری، سمانه؛ و ملک‌کاری بختیار، (۱۳۹۴). «رابطه هم‌خانگی در ایران: بررسی کیفی علل و انگیزه‌های گرایش به آن». مطالعات روان‌شناسی بالینی، شماره ۲۱، صص: ۱۷۸-۱۹۷.
- گوروویچ، ژرژ، (۱۳۵۸)، دیالکتیک یا سیر جدالی و جامعه‌شناسی. ترجمه حسن حبیبی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۴). چشم‌اندازهای جهانی. ترجمه جلالی‌پور، م.، تهران: انتشارات طرح نو.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- عیسی‌زاده، سعید؛ بلالی، اسماعیل؛ و قدسی، علی‌محمد، (۱۳۸۹). «تحلیل اقتصادی طلاق: بررسی ارتباط بیکاری و طلاق در ایران طی دوره ۱۳۴۵-۱۳۸۵». مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، دوره ۱۲، شماره ۵۰، صص: ۷-۲۷.
- محمودیان، حسین؛ محمدپور، احمد؛ رضایی، مهدی، (۱۳۸۸). «زمینه‌های کم‌فرزندگی در استان کردستان: مطالعه موردی شهر سقز». نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۸، صص: ۸۵-۱۲۲.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی جمعیت و مسکن سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵.
- ملتفت، حسین؛ و احمدی، حبیب، (۱۳۸۷). «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق (مطالعه موردی شهرستان داراب)». نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۳، شماره ۵، صص: ۱۵۲-۱۶۸.
- محمدی‌یگانه، بهروز؛ و سنایی‌مقدم، سروش، (۱۳۹۶). «تحلیل اثرات روابط شهر و روستا در مهاجرت‌های روستا-شهری شهرستان دهدشت، مطالعه موردی: دهستان پشته زیلایی». فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۷، شماره ۲۷، پاییز، صص: ۸۵-۱۲۲.

- مهاجرانی، علی اصغر، (۱۳۸۹). «تحول وضع زناشویی و تغییر الگوی سنی ازدواج در ایران». فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی واحد دانشگاه آزاد، سال ۴، شماره ۱۱ زمستان، صص: ۵۴-۴۱.

- میرزایی، محمد، (۱۳۸۴). جمعیت و توسعه با تأکید بر ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری.

- Aghajanian, A. & Moghadas, A., (1998). "Correlates and Consequences of Divorce in an Iranian City". *Journal of Divorce and Remarriage*, No. 28 (3-4), Pp: 53-71.

- Bumpass, L., (1990). "What's happening to the family?: Interaction between demographic and institutional change". *Demography*, No. 27, Pp: 483-498.

- Clarkberg, M.; Stolzenberg, R. M. & Waite, L. J., (1995). "Attitudes, values and entrance into cohabitational versus marital unions". *Social Forces*, No. 74 (2), Pp: 609-634.

- Coleman, D., (1996). *Europe's population in the 1990s*. Oxford, UK: Oxford University Press.

- Foroutan, Y., (2020). "Ethnic or Religious Identities?: Multicultural Analysis in Australia from Socio-Demographic Perspective". *Journal of Ethnic and Cultural Studies*, Vol. 7, No. 1, Pp: 1-14.

- Foroutan, Y., (2020). "Women's Dress Codes in the Islamic Republic of Iran: State's Gender Ideology Representation". *Gender Issues*, forthcoming (in press).

- Foroutan, Y., (2019). "Cultural analysis of Half-Century Demographic Swings of Iran: The Place of Popular Culture." *Journal of Ethnic and Cultural Studies*, No. 6 (1), Pp: 77-89.

- Foroutan, Y., (2019). "Formation of Gender Identity in the Islamic Republic of Iran: Does Educational Institution Matter?". *Journal of Beliefs & Values*, No. 39 (2), Pp: 1-18.

- Foroutan, Y., (2019). "Social and demographic analysis of religious

- attitude in Iran". *Social Problems of Iran*, [in Persian], 10 (1): in press.
- Foroutan, Y., (2017). "Construction of Religious Identity in Contemporary Iran: Sociological Perspective". *Journal of Persianate Studies*, No. 10 (1), Pp: 107-127.
  - Foroutan, Y., (2014). "Social changes and demographic responses in Iran, British". *Journal of Middle Eastern Studies*, Vol. 41, Issue 2, Pp: 219-229
  - Foroutan, Y., (2012). "Gender representation in school-textbooks of Iran: The place of language". *Current Sociology*, no. 60 (6), Pp: 771-787.
  - Frejka, T. & Westoff, C., (2007). "Religion, religiousness and fertility in the US and in Europe, *European Journal of Population*, No. 24 (1), Pp: 5-31.
  - Goldstein, J. R., (1999). "The leveling of divorce in the United States". *Demography*, No. 36, Pp: 409-414.
  - Good, W. J., (1963). *World revolution and family patterns*. New York: Free Press.
  - Hakim, C., (2000). *Work-lifestyle choices in the 21<sup>st</sup> century: Preference theory*. Oxford, UK: Oxford University Press.
  - Inglehart, R., (1977). *The Silent Revolution: Changing values and political styles among Western publics*. Princeton: Princeton University Press.
  - McLanahan, S. & Casper, L., (1995). "Growing diversity and inequality in the American family". in: *State of the union: America in the 1990s*, Vol. 2, Pp: 1-49, New York: Russell Sage.
  - Laplanate, B.; Teresa Castro-Martín, T.; Cortina, C. & Martín-García, T., (2015). "Childbearing within marriage and consensual union in Latin America, 1980-2010". *Population and Development Review*, No. 41 (1), Pp: 85-108
  - Lesthaeghe, R., (1995). "The Second demographic transition in Western countries: An interpretation". in: *Gender and Family change in industrialized countries*, Oxford: Clarendon Press.
  - Manning, W. D.; Smock, P. J.; Dorius, C. & Cooksey, E., (2014). "Cohabitation Expectations among Young Adults in the United States: Do

- They Match Behavior?”. *Popul Research Policy Review*, No. 33 (2), Pp: 287–305.
- Meyer, J. W., (2010). “World Society, Institutional Theories and the Actor”. *Annual Review of Sociology*, No. 36, Pp: 1-20
- Myers, D. G., (2000). *The American paradox: spiritual hunger in an age of plenty*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Oppenheim Mason, K. & Jensen, A., (1995). *Gender and Family change in industrialized countries*. Oxford: Clarendon Press.
- Rowland, D. T., (2007). “Historical trends in childlessness”. *Journal of Family*, Issues, 28, Pp:1311-1337.
- United Nations, (2011). *World Population Prospects: The 2010 Revision*. Population Division of the Department of Economic and Social Affairs of the United Nations Secretariat.
- United Nations, (2008). *United Nations Population Division: ‘World Marriage Data 2008’*.
- Van de Kaa, K., (1987). “Europe’s second demographic transition”. *Population Bulletin*, No. 42 (1), Pp: 1-57.
- Waite, L. J., (1995), “Does marriage matter?”. *Demography*, No. 32, Pp: 483-507.